

روشنای خانواده‌های شهر



در شرایط سخت اقتصادی و بحران‌های گوناگون اجتماعی، حمایت روانی از خانواده‌ها را باید به اندازه دیگر نیازهای زندگی شهری جدی گرفت. کارکنان سازمان‌ها و خانواده‌هایشان برای داشتن کارایی مطلوب، به خدمات مشاوره روانشناسی نیاز دارند؛ نیازی که شهرداری تهران در رویکرد خانواده‌محور خود، با راه‌اندازی سامانه «روشنا» پوشیده است. پاسخی مناسب برای آن بیاید، این سامانه به کارکنان اجازه می‌دهد بدون مراجعه حضوری و با تضمین محرمانگی اطلاعات، از خدمات مشاوره تخصصی خانواده‌محور بهره‌مند شوند.

به گفته سیدحسین موسوی، رئیس مرکز نوسازی و تحول اداری شهرداری تهران، این سامانه در قالب نسخه اندروید، دسترسی آسان برای تعامل میان کارکنان و متخصصان مشاوره فراهم کرده است. نظام پاسخگویی در این سامانه مبتنی بر اولویت‌بندی درخواست‌هاست به گونه‌ای که موارد اضطراری از طریق تماس صوتی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، موارد نیمه‌اضطراری حداکثر در ۲۴ ساعت و درخواست‌های عادی در مدت ۷۲ ساعت پیگیری می‌شود. با نصب برنامه «روشنا» روی گوشی‌های هوشمند و انجام مراحل ثبت‌نام، محور اصلی مشاوره در اختیار کاربر قرار می‌گیرد که شامل پرسش‌های دینی، خانواده، تربیت فرزند، ازدواج و مشاوره فردی است.

امتیاز خاص «روشنا» امکان برقراری تماس صوتی و ثبت پیام از این راه است اما ارتباط با مشاور در ابتدا با نوشتن پیام شروع می‌شود. از کاربر خواسته می‌شود که موضوع گفت‌وگو را از ابتدا به صورت مختصر و روشن توضیح دهد، اطلاعات مورد نیاز مشاور را به صورت کامل بیان کند و به سؤالات او تا پایان یافتن و دریافت راهنمایی‌های پاسخ دهد. محیط مشاوره ساختاری شبیه پیام‌رسان‌های معمول دارد و پیام‌ها برای مشاوران ارسال می‌شود. سوابق مشاوره‌های قبلی نیز در حساب کاربری باقی می‌ماند تا بعداً قابل دسترسی باشد.

«شجره طیبه»؛ مدرسه‌ای که دوباره جان می‌گیرد

صبح روز ۹ اسفند ۱۴۰۴ و در نخستین ساعات تجاوز ارتش تروریستی آمریکا به ایران و آغاز جنگ ۴۰ روزه، مدرسه «شجره طیبه» میناب هدف اصابت چندین موشک قرار گرفت. اکنون با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی جدید

اصل و شرح

همه حاضر برای فردا

پویش بهزیستی برای حمایت از دانش‌آموزان؛ از کشف استعدادها تا بازگشت کودکان بازمانده از تحصیل

۲۴۲ هزار دانش‌آموز زیر چتر

عدد بزرگ‌تر اما جای دیگری است. اکنون ۲۴۲ هزار دانش‌آموز از خدمات سازمان بهزیستی استفاده می‌کنند. براساس آمار اعلام‌شده از سوی سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی ۱۷۲ هزار نفر از این دانش‌آموزان در دهک یک قرار دارند و ۱۰۴ هزار نفر نیز به نوعی دارای معلولیت هستند. یعنی مسئله فقط تهیه لوازم‌التحریر نیست؛ بخشی از این دانش‌آموزان با مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی، اجتماعی یا محدودیت‌های ناشی از معلولیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در چنین شرایطی، شروع سال تحصیلی برای همه یکسان نیست. ممکن است یک دانش‌آموز با خیال راحت فهرست مدرسه را دست خانواده بدهد و چند روز بعد با کیف و کفش و دفترهای نو راهی مدرسه شود اما برای خانواده‌ای دیگر، همین فهرست می‌تواند به معنای چند میلیون تومان هزینه باشد. به همین دلیل پویش «همه حاضر» تلاش می‌کند دست کم بخشی از این فاصله را کم کند. به گفته حسینی در استان‌های مختلف نیز اجرای این پویش آغاز شده است. برای نمونه، بهزیستی بوشهر اعلام کرده است که در قالب این طرح، نوشت‌افزار، کیف، کفش، پوشاک و تجهیزات کمک آموزشی برای دانش‌آموزان نیازمند تأمین می‌شود. تجربه سال گذشته این استان نیز نشان می‌دهد که مشارکت مردمی می‌تواند بخش قابل توجهی از نیازهای تحصیلی را پوشش دهد؛ در بوشهر بیش از ۵۵ میلیارد ریال مشارکت نقدی و غیرنقدی برای این حوزه جذب شده است.

تحت پوشش سازمان بهزیستی را تأمین کند، اما هدفش در همین دفتر و مداد خلاصه نمی‌شود. امسال این پویش با هدف حمایت از ۱۶۸ هزار دانش‌آموز و به یاد ۱۶۸ دانش‌آموز شهید میناب آغاز شده است. بهزیستی می‌گوید تأمین نوشت‌افزار، کیف، کفش، پوشاک و تجهیزات کمک آموزشی، بخش ملموس ماجراست؛ بخش مهم‌تر اما آنجاست که این حمایت بتواند دانش‌آموز را در مدرسه نگه دارد و مانع از آن شود که مشکلات اقتصادی یا اجتماعی، او را از مسیر تحصیل خارج کند.

جامعه امروز

فاطمه عسگری‌نیا [روزنامه‌نگار] یک کیف مدرسه، چند دفتر، مداد و مداد تراش شاید در نگاه اول چیز زیادی نباشد؛ وسایلی که هر سال با نزدیک شدن به مهر، میلیون‌ها خانواده برای خریدشان راهی بازار می‌شوند. اما برای بعضی خانواده‌ها همین فهرست ساده می‌تواند به یکی از دغدغه‌های جدی شروع سال تحصیلی تبدیل شود. پویش «همه حاضر» امسال با همین مسئله شروع شده است؛ پویشی که قرار است دست کم بخشی از نیازهای تحصیلی دانش‌آموزان



امسال نیز ۲۸۰۸ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شده‌اند و هدف‌گذاری بهزیستی این است که تا پایان سال آنها را به مدرسه بازگرداند. برای کودکانی که دوباره به مدرسه بازمی‌گردند نیز حمایت تحصیلی در نظر گرفته شده است. اینطور که رئیس سازمان بهزیستی کشور می‌گوید، برای هر دانش‌آموز ماهانه ۲ میلیون تومان کمک‌هزینه تحصیلی پیش‌بینی شده و برای اجرای این طرح در سال جاری ۷۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته است.

یک کیف، یک فرصت حمایت

اما اگر قرار باشد خدمات «همه حاضر» فقط به رساندن یک بسته نوشت‌افزار به دست دانش‌آموز محدود شود، بخش مهمی از مسئله دیده نشده است. آمار کودکان بازمانده از تحصیل، تصویر روشن‌تری از این موضوع می‌دهد. سال گذشته ۳۱۵۵ کودک دارای سلباقه کار که از تحصیل بازمانده بودند، با پیگیری بهزیستی دوباره ثبت‌نام کردند و به چرخه آموزش برگشتند.

حمایت بعد از زنگ مدرسه

در طرف دیگر ماجرا، دانش‌آموزانی هستند که نه تنها باید در مدرسه بمانند، بلکه ظرفیت آن را دارند که مسیر متفاوتی را طی کنند. امسال ۱۶۹ دانش‌آموز تحت پوشش بهزیستی در مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی پذیرفته شده‌اند؛ بالاترین میزان قبولی این گروه در این مدارس براساس اعلام سازمان بهزیستی. یکی از آنها امیرحسین اسماعیل‌صباغ، دانش‌آموز دارای معلولیت شدید جسمی و حرکتی از قرچک است که امسال به مدرسه استعدادهای درخشان راه پیدا کرده است.

نخبگانی از میان نیازمندان

در حال حاضر ۵۵۰۰ دانش‌آموز تحت پوشش بهزیستی در شمار نخبگان دانش‌آموزی قرار دارند و ۷۰ نفر از آنان در کنکور سال گذشته

استعداد، منتظر فرصت است

بهزیستی در سال‌های اخیر تلاش کرده حمایت تحصیلی را از پرداخت کمک‌هزینه فراتر ببرد. براساس اطلاعات اعلام‌شده، برای حدود ۳۰ هزار دانش‌آموز غربالگری، استعدادیابی و مهارت‌آموزی انجام شده و بیش از ۳۰ هزار دانش‌آموز نیز آموزش‌های مهارت نرم و فنی و حرفه‌ای دریافت کرده‌اند. حدود ۴۰ هزار نفر هم در مسیر آماده‌سازی شغلی قرار گرفته‌اند. این یعنی قرار نیست حمایت از دانش‌آموز در لحظه‌ای که دفتر و مداد تحویل می‌گیرد تمام شود. مسیر ایده‌آل باید از مدرسه شروع شود، به کشف استعداد و مهارت برسد و در نهایت به توانمندی و استقلال فردی و اقتصادی منتهی شود.

«همه حاضر»؛ به یاد ۱۶۸ دانش‌آموز

انتخاب نام «همه حاضر» برای این پویش از همین زاویه قابل توجه است؛ قرار نیست فقط بسته‌های تحصیلی به دست ۱۶۸ هزار دانش‌آموز برسد، بلکه

پیام اصلی آن این است که هیچ کودکی نباید به دلیل نداشتن امکانات، از کلاس درس جا بماند. این پویش امسال به یاد ۱۶۸ دانش‌آموز شهید میناب برگزار می‌شود و افتتاح آن نیز در هرمزگان با همین محور انجام شده است.

پرچم عاشقان کتاب بالاست

در میان تمام رونمایی‌هایی که در بستر شبکه‌های اجتماعی با نام «آینا کسپینگ» معروف شده، یک رونمایی دل‌پسیری از کاربران را برده است؛ رونمایی از شاهنامه به تصحیح خالقی مطلق.



گزارش

پایان خوش صیادان اسیر

روایت‌هایی از روز بازگشت ۱۰ صیاد اسیر ایرانی که از تهران راهی خانه‌شان شدند

گزارش

سحر جعفریان عصر [روزنامه‌نگار] تا پای پرواز در فرودگاه دوی‌نیز باورش‌شان نمی‌شد که آن همه انتظار و بی‌تکلیفی و کسانای از خانواده‌شان بودند؛ امیرمحمد آرزو هریک دلتنگ کسی با کسانای از خانواده‌شان بودند؛ امیرمحمد آرزو داشت دوباره مادرش را ببیند و خواهر کوچک‌ترش را به آغوش بکشد، عبدالحمید داش لک زده بود برای شیرین‌زبانی‌های پسر خردسالش، رجب می‌خواست یک‌بار دیگر فرزندانش را به آغوش بکشد و همین‌طور باقی صیادان که آنها نیز در حسرت خانه بودند. ۱۰ صیاد بندرلنگه که بیش از یک‌ماه در امارات اسیر بودند، ظهر ۲۰ شهریور یکی یکی از پله‌های هواپیما بالا می‌رفتند و گهگاه به پشت سرشان به مأموران پلیسی که از بازداشتگاه ابوظبی همراه‌شان آمده بودند، نگاه می‌کردند. پله آخر و استقبال هم‌اندازان و حضور میان جمعیت مسافران ایرانی، باورش‌شان را قریص و محکم کرد که چیزی تا آزادی و دیدار عزیزانشان نمانده است. ساعت ۱۵:۵۴ با کمی تأخیر، پرواز ۷۳۵۳ شرکت سپهران در باند شرقی فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بر زمین نشست و صیادان با شوق فراوان نفس راحت کشیدند.

شمارش معکوس برای آزادی

بعضی مسافران پرواز که از بازداشت و بازگشت صیادان بندرلنگه خبر داشتند، با دیدن چهره ۱۰ مرد جوان جنوبی که از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدند و به‌طور ویژه‌ای بر صندلی ردیف‌های جلوی هواپیما نشسته بودند، شست‌شان خبردار شد که اینها همان صیادان هستند. بعضی‌شان با گشاده‌رویی به روی صیادان لبخند می‌زدند و بعضی دیگرشان نیز از دور سلام می‌دادند. کمی پیش از فرود هواپیما، آن وقت که یکی از مهماندان اعلام کرد در آسمان تهران‌اند و باید کمربندهای خود را برای فرود ایمن ببندند، صبر امیرمحمد حسین‌نژاد، کوسن‌وسال‌ترین صیاد بندرلنگه‌ای تمام شد و مانند ابر بهار به گریه افتاد. کنار دستش عبدالحمید اسدی، صیادی دیگر نشسته بود: «سیدیم دیگه مرد... الان باید بخندی...» این لحظات را عبدالحمید تعریف می‌کند و می‌گوید: «این حرف‌ها را در



شرایطی گفتیم که طاقت خودم هم طاق شده بود... این بی‌صبری زمانی اوج گرفت که فهمیدند مقصد هواپیما تهران است و بیش از هزار و ۴۵۰ کیلومتر دورتر از بندرلنگه.

ساعت‌های طولانی فرودگاهی

ساعت حدود ۱۶، صیادان بندرلنگه دوش‌به‌دوش هم از هواپیما پیاده شدند و کمی بعد با راهنمایی چند مأمور انتظامی فرودگاه، جدا از صف باقی مسافران که همگی سوی ریل چمدان می‌رفتند، سر از واحد پلیس گذرانده درآوردند. این درست زمانی بود که خبرگزاری‌های بسیاری شروع به انتشار خبر بازگشت صیادان کردند، اما با این اشتباه که فرودگاه مقصد، فرودگاه بین‌المللی بندرعباس است، از این‌رو خانواده‌های صیادان سردرگم شده بودند و نگران. پریسا دادور، همسر یکی از صیادان درباره آن روز به همشهری گفت: «کنسولگری ایران توی



ابوظبی بهمون گفته بود که پروازشون فرودگاه امام تهران می‌شه، اما تو اینترنت زده بودن قراره بیان فرودگاه بندرعباس... گیج شده بودیم...» تا خبر راستی از مای می‌رفتند، در فرودگاه امام خمینی، مجتبی بهمتی، یکی از صیادان دل‌به‌دراز و از یکی از مأموران پلیس گذرانده پرسید: «بخشید جناب، ما می‌تونیم با خانواده‌هامون چند کلمه حرف بزنیم و سی‌شون بگیریم و اسلیم و ایرانیم؟ خیلی وقته از مـون بی‌خبریم!» و ماموری کوتاه پاسخ داد: «به موقعش باهاشون حرف می‌زنید، اونا بی‌خبر نیستن، می‌دونن اینجایید.» رجب

کریمی، صیاد دیگر که صورت دخترش لحظه‌ای از مقابل چشمانش کنار نمی‌رفت، درجای پاسخ کوتاه مأمور را گرفت: «یعنی اومدن فرودگاه، سرافغون؟» یک رسول پاکیده، یکی از صیادهای اسیر در مورد ساعت‌های بعد از ورود به همشهری گفت که صیادان با همان رخت و لباس که بیش از یک‌ماه پیش تن کرده و از اسکله ماهیگیری بندرلنگه راهی دریا شده بودند با جزئیات کامل، ماجراهای بازداشت تا بازگشت‌شان را برای مأموران پلیس گذرانده شرح دادند.

از تهران تا بندرلنگه راهی نیست

انتظار برای صیادان و خانواده‌هایشان سر دراز داشت که هنوز باید منتظر دیدار می‌ماندند. صیادان آن شب را در فرودگاه امام خمینی گذرانند تا صبح زود در دادسرای فرودگاه حاضر شوند و برای قاضی از مجوز قایق، بار و صید (قانونی یا غیرقانونی بودن) و تردد در دریای‌شان بگویند. ساعت از ۱۵ روز ۲۱ شهریور گذشته بود که صیادان بندرلنگه بالاخره اجازه خروج از فرودگاه را پیدا کردند. بعضی‌شان با تلفن همراه رهگذاران توانستند با خانواده خود صحبت کنند؛ آنها پول نیاز داشتند تا به بندرلنگه بازگردند. چند ساعت بعد ورق احوال‌شان با پیگیری روزنامه همشهری و شهرداری تهران برگشت. ساعت ۱۸:۴۰ هر ده صیاد دور میزی در اتاق مدیریت ترنیتال جنوب نشستند بودند. محمد اسمعیلی مزیدی، یکی از صیادان رشتنه گفت‌وگو را با مرور شب اسارت توسط نیروهای امارات دست گرفت: «دقیق نمی‌دونستیم کجای خلیج‌چیم. داشتیم موقعیتمون رو بررسی می‌کردیم که بهو گارد ساحلی شاره محاصر مون کرد.» احسان کوهستانی هم از روزهای بازداشت گفت: «اولش که فقط ما رو می‌زدن. بعد هم دنبال به جور اعتراف بودن انگار...» می‌گفتن ششما جاسوسید، سیاهی‌اید. هیچی از ایران و خانواده‌هامون بهمون نگفتن. ما رسیدیم ایران تازه فهمیدیم خیلی پیگیر آزادی‌مون بوده!» موسی بریان نیز از دقایقی که خبر دادند قرار است به ایران بازگردانده شوند، گفت: «صبح اسمامون رو خوندن و ما رو کردن تو به یون که حتی پنجره‌هاش هم سیاه بود. از ابوظبی اومدیم فرودگاه دوی.» باقی گفتنی‌هایشان ماند برای وقت شام در هتل شهر به میزبانی شهرداری تهران.

